

بِإِذْنِ فَاضِلَانِهِ دَاشْتَمَنْدِ مَعْظَمِ
آقای حاج سراج انصاری

یکی از تربیت یافته گان مکتب اسلام حسین است و حسین (ع) آئینه کمالات است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

موضوع گفتار ما بیان آغاز زندگی حضرت حسین علیه السلام و چگونگی اصول تعلیم و تربیتی است که يك چنین شخصیت مهمی در زیر سایه آن اصول پرورش یافته و با اعمال درخشان خود روی انسانیت را سفید نموده است. راستی اگر در عالم بشریت اینگونه شخصیت های برجسته پیدا نمیشد حقیقت انسانیت در زیر پرده اتمام می ماند و عظمت خلقت انسان هویدا نمیگردید.

البته بوجود آمدن این گونه شخصیتها بدون مبدء تعلیم و تربیت غیر ممکن است زیرا تا مبدء تولید نباشد هیچ هنری تولید نمیشود پس باید این موضوع دقیقا مورد مطالعه قرار گرفته و دانسته شود که اینگونه شخصیتهای بارزه در کدام مکتب و با چه اصول پرورش یافته اند ؟

کدام مهد علمی و پرورشگاه تربیتی است که يك چنین شخصیتها را تربیت میدهند ؟

امروز که بشهادت تمام اهل دنیا تحولات حیرت انگیزی در اصول زندگی و زندگانی بشر روی داده است و از نیم قرن باین طرف دامنه علوم وسعت عجیبی پیدا کرده که بوسیله آن علوم بسیاری از امور مشکله حیوتی حل گردیده و خیلی دشواری های زندگی سهل و آسان شده است و مخصوصا اصول تعلیم و تربیت در این عصر صورت نوین بر خود گرفته است آیا ممکن است چه در مکتب فلسفه جدید و چه در سایر مراکز علم و هنر شخصیتهایی پرورش

یابد که در راه اصلاح جامعه بشر قدمهای موفقی برداشته و تحول عظیمی در شئون زندگی و زندگانی مردم دنیا ایجاد نمایند ؟

آیا فرهنگی که امروز مورد تعظیم تمام ملل دنیا است قدرت تربیت يك فرد دلسوز بجامعه را دارد ؟

گمان ندارم کسی چنان قدر تیرا برای فرهنگ امروز اثبات نماید ؟

پس باید با کمال تأسف اعتراف کنیم که دنیا با همه پیشرفتهائی که در امور مادی نموده

است هنوز بحقیقت تعلیم و تربیت روحی و معنوی نرسیده و توجهی باصول پرورش حقیقی ننموده

است هنوز از عالم ماده بسوی جهان معنویت نگرانیده است . و آن اصولی را هم که فرهنگ امروز

دنیا در تعلیم و تربیت پیش گرفته است فقط با همان ترقیبات مادی که مورد نظر فرهنگیان دنیای

امروز است سازش دارد و بس و آن اصول هیچگونه تأثیری در تربیت نفوس و معنویات ندارد و از

این جهت است که نتیجه علوم جز ایجاد جنگ و جدال چیز دیگری نیست اینک با چشم خود میبینیم

که هرج و مرج اخلاقی و ادبی در سرتاسر کیتی حکمفرماست و تا این حقیقت مورد توجه

مصلحین دنیا قرار نگیرد دامنه فساد و شیوع اعمال ناشکین در تمام بلاد و کشور های روی زمین

روز بروز وسعت پیدا خواهد کرد و همه افراد جامعه بشر را دیر یا زود با کلیه محصولات علمی

خود بسوی فنا و نیستی سوق خواهد داد . بهر حال گفتگوی ما در این بود که کدام مکتبی

است که شخصیتهای بزرگ را تربیت میدهد ؟

چون این مطلب از نظر جامعه شناسی بسیار مفید است لذا باید آن مکتب را پیدا

نموده و اصول تعلیم و تربیت آنرا در تمام نقاط جهان تعمیم داد . بعقیده ما آن مکتب مکتب

اسلام است .

آری مکتب اسلام است که شخصیتهای بزرگ را تربیت داده و نامهای آنان را در سر

لوحه تاریخ با خطوط درخشان ثبت و آنان را تا جهان زنده است زنده و پاینده نگه داشته است

مکتب اسلام است که شخصیتی مانند حسین علیه السلام را پرورش داده و دنیا را بسوی وی

متوجه ساخته است که پس از سیزده قرن هنوز نام مقدس او در زبان خاص و عام است هیچ

میدانید این حسین در کجا تربیت یافته و در کدام دانشگاه تحصیل کرده است ؟

اینک برای خوانندگان محترم مختصری از شرح زندگی او و چگونگی اصول تربیت

اسلامی او را بیان میکنم تا دنیا بدانند که مکتب اسلام بالا ترین و برترین مکاتب علمی و هنری

جهان است اما شرح مختصری از زندگی آنحضرت که مقدمه کتاب تکوینی اوست بدین قرار است. حسین آن هیکل قدس و آن شمایل تقوی و آن رمز فضیلت اولا در خانه‌ای متولد شد که آن خانه مهبط وحی و محط تنزیل بود خانه‌ای بود که انوار توحید از در و دیوار و سقف آن خانه تجلی مینمود خانه‌ای بود که روشندان عالم ملکوت با بوسیدن آستانه آن خانه تبرک میجستند. خانه‌ای بود که اساس آن روی تقوی و فضیلت نهاده شده بود.

نایباً در يك چنین خانه‌ای از رحم پاك مادری مانند فاطمه که مجسمه عصمت و هیکل عفت و رمز قدس و طهارت بود متولد شده

ثالثاً نطفه پاك حسینی در صلب مطهر عنصری متکون گردید که در تمام عمر خود طرفه‌العینی از طریق حق و حقیقت منحرف نشد علاوه بر اینها جد مادری حسین خود مؤسس کانون معرفت و بنیاد گذار دانشگاه دین و مربی نفوس بشر و مصلح جهان و فرستاده پروردگار عالم بود از اینها هم که بگذریم فضایل موروثی دیگر از ناحیه نسب داشت که تمام افراد سلسله آن نسب تربیت شدگان مکتب توحید بوده و هر يك دارای صفات ممتاز و خصایل ممدوح بوده است

پس بنا بر این مقدمه حسین علیه السلام از تمام جوانب، فضایل نسبی و کمالات خانوادگی آن مرد بزرگ را احاطه نموده بود این نکته نزد ارباب دانش روشن است که صفات نیک و بد در هر فردی از افراد بشر مولود غرایز طبیعت او است و آن غرایز در طبیعت انسان از سه راه تولید میشود یکی از راه وراثت و دیگری از راه تعلیم و تربیت سومی از راه محیط اجتماع مثلاً وقتیکه صفت جبن یا شجاعت را در يك فرد میبینیم پس از تحقیق در اطراف علت پیدایش آن باین نتیجه میرسیم که آن صفت یا از ناحیه نسب ارثاً باو رسیده است و یا تعلیمات خارجی در او این غریزه را تولید نموده یا محیط اجتماع او را جیون یا شجاع کرده است

پس روی این اصل باید گفت که منشاء صفات نیک و بد، غرایزی است که آنها یا موروثی هستند یا اکتسابی یا انفعالی و موروثی هم دو قسم است يك قسم آنست که از سلسله اباء و اجداد باین فرد انتقال مییابد و قسم دیگر آنست که تنها از ناحیه مادر باو منتقل میشود و شرح هر يك از اینها به بیان مفصلتری محتاج است که فعلاً از بیان آن خود داری میشود پس از بیان این اصل وقتیکه در صفحات تاریخ زندگانی حضرت حسین علیه السلام را مطالعه میکنیم میبینیم که آن

بزرگوار در تمام این جهات با اصول فضیلت و تقوی مواجه بوده است یعنی تعلیم و تربیت او در هر سه مکتب مزبور روی اصولی بوده که محصول آنها جز فضیلت و تقوی نمیباشد اما از جهت وراثت بامختصر مطالعه در تاریخ زندگانی آباء و اجداد آنحضرت این مطلب روشن میشود که هر يك از آنها در عصر خود دارای صفات بارزّه بوده اند که باید تشابه آن صفات را دلیل بر توارث آنها دانست خصوصاً حالات زندگی و اوضاع ادبی و اخلاقی هاشم و عبدالمطلب و ابوطالب بیشتر از همه در صفحات تاریخ جلب نظر مینماید و از همه روشنتر تاریخ جدبزرگوارش حضرت محمد صلی الله علیه و اله است که مظهر تمام صفات نیک و آینه جهان نمای فضایل و کمالات است و این خود یکی از برجسته ترین دلایل قدرت پروردگار عالم است که از میان يك ملت جاهل و گمراه مردی را برانگیزد که از هر جهت آراسته با اخلاق حسنه و میرا از تمام رزایل باشد. مردی باشد که از احدی درس نخوانده باشد و نزد هیچ دانشمندی زانوی تحصیل بزمین نزده باشد در عین حال آنچه خوبان همه دارند او تنها داشته باشد تمام علوم و فضایل از جوانب و نواحی وجود مقدسش مانند قطرات باران رحمت به مفارق و رؤس جهانیان بریزد تا يك دنیای تاریک از انوار فضایل او منور شود آری این مرد ملکوتی مظهر قدرت و حکمت خدای لایزال و خود ذات حق جلّت عظمته در قرآن مجید و تفسیر خود را میستاید این مطلب را نشانه قدرت خود معرفی نموده و چنین میفرماید نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض الملك القدوس العزيز الحكيم هو الذی بعث فی الاممین رسولا منهم يتلوا عليهم آياته و یعلمون انما انزلنا الذکر علیک بالحق و بالبینة .

یعنی هر آنچه در آسمانها و زمین است خدا را میستایند و او را از جمیع نواقص میبرایند خدائیکه پادشاه منزّه و پاک و مقتدر و داناست خدائست کسه از میان گروه بیسوادان پیغمبر بزرگوار را برانگیخت تا بر آنان آیات او را تلاوت نماید و آنها را از لوث جهل و اخلاقی زشت نه پیراید و آنان را بر کتاب خدا آشنا سازد و در این آیه کلمه : هو الذی مؤید مطلب ماست که خدا با برانگیختن چنین پیغمبری قدرت خود را میستاید مقصود ما از بیان این مطلب اشاره مختصری بعظمت شخصیت پیغمبر بزرگوار اسلام بود که در تربیت حضرت حسین علیه السلام از نظر وراثت معنوی عامل بسیار مؤثری بوده است پس حسین از ناحیه ناهوس وراثت که یکی از نواامیس طبیعه است بهره کافی داشته است

اما از نظر فضایل مادری محتاج بيك گفتار مفصلي است كه ضيق مجال فرصتی بر ما
نمیدهد كه این موضوع را از لحاظ علمی مورد بحث قرار داده و با دلایل ثابت كنیم كه انواع
احساسات فعاله مادر و تاثیراتی كه از ناحیه حوادث روزگار در قوای نفسانی او پیدا میشود در
چنین تا چه اندازه مؤثر است.

بحث در این موضوع را بوقت دیگر موکول نموده و اجمالاً بعرض خوانندگان محترم
میرسانم كه ولادت حضرت سیدالشهداء روحیفداه در سال سوم هجری بوده و در آن سال حوادث
گونگونگی در محیط اسلام روی میداد كه هر يك از آنها در قوای نفسانی حضرت زهرا سلام الله علیها
اثراتی میبخشید كه سایه آن اثرات در نطفه پاك حسینی كه هنوز در رحم مادر جنین بود
منعكس میشد و همان اثرات عر ایزطبیعیهای در آن نطفه مقدس تولید مینمود كه پس از ولادتش در
مراحل زندگی او آثار آن غرایر پیدا و هویدا گردید پس حسین در مكتب وراثت امی هم از
مزایای فضایل طبیعی کامیاب بوده است.

اما از نظر تربیت محیط وقتیکه این فرزند فضیلت را مورد مطالعه قرار میدهیم میبینیم
كه اولاً محیط كوچك خانوادگی او كه نخستین پرورشگاه كودكان است در زیر سایه تعالیمات
اسلامی يك محیط بسیار پاك و منزهی بوده كه نواحی آن محیط را تقوی و معرفت و عدالت و
شجاعت و فضایل روحی و معنوی و بالاخره صفات ممتاز حقیقی انسانیت فرا گرفته بود محیطی بود
كه منزله از کلیه عیوب و مزین بتمام محسنات بود تربیت شده يك چنین محیط حتماً جز رمز تقوی
و فضیلت نخواهد بود.

و ثانیاً محیط اجتماع كه در تربیت نفوس عامل مؤثری است در آن عصر محیطی بود كه
اسلام آن محیط را پدید آورده بود و آن محیط باندازه نورانی و مشعشع بود كه نه تنها نفوس
زكیه را با زینت فضایل صیقل میداد بلكه اعراب بادیه نشین جاهل و گمراه را از حضيض خاك
بدبختی باوج افلاك سعادت میرساند محیطی بود كه از تمام نواحی آن فضیلت و تقوی میبارید.
محیطی بود خالی از رذایل بت پرستی و خیانت و دروغ و جنایت و بدكاری و ناپكاری و آراسته
بمعرفت و خدا شناسی و پرهیزكاری و شهامت و شجاعت و برادری و مواسات و صدق و صفا و
امانت و درستكاری كه هر يك از این صفات برای ترقی و تعالی هر مجتمعی عامل مؤثری است حسین
ایام شیرخوارگی خود را در محیط چنان خانواده ای كه توصیف كردم پایان رسانید و ایام كودگی

